



روند زبان و خط در تاجیکستان  
۱۳۹۶/۰۹/۲۲

گزارش

۹

ویژه



موسسه آینده پژوهی جهان اسلام

[www.iiwfs.com](http://www.iiwfs.com)

بسمه تعالی

روند زبان و خط در تاجیکستان (بخش نخست)

دکتر محمد حسن صنعتی

رایزن پیشین فرهنگی ج.ا. ایران در تاجیکستان

ورود در مباحث روند زبان و خط در تاجیکستان حتماً بایستی با همه جوانب صورت بگیرد، چراکه اگر یک بحث بخواهد، فارغ از همه زوایای مربوط به خود پیش برود عملاً نمی‌تواند با مخاطبین خود ارتباط مفیدی برقرار کند. در بحث الفبا و زبان یکی از نکاتی که در مورد سرزمین تاجیک‌ها مدنظر است (که مورد نظر محققان قرار دارد) این بحث است که اگر الفبای مناسب با فرهنگ نیاکان تعریف و مورد استفاده قرار بگیرد، این امر چه تحولی در عرصه‌های علمی و آموزشی به وجود خواهد آورد؟ تصور این است که تاجیکستانی‌ها با آموختن الفبای فارسی به چندین میلیون وبلاگ فارسی‌زبان در داخل کشور جمهوری اسلامی ایران و در خارج از کشور ارتباط پیدا می‌کنند و از عمده مطالب آن‌ها (که دارای ارزش علمی، فکری، فرهنگی، آموزشی هستند) به‌طور مستقیم برخوردار می‌شوند. چون زبان تاجیک زبان فارسی است، در مقایسه با الفبای رایج به‌عنوان الفبای مصوب که محترم هم هست به نام الفبای سیریلیک، تفاوتی وجود دارد. یعنی تاجیک‌ها عرضاً با زبان روسی آشنا هستند نه اصلاً و ذاتاً؛ چون زبان مادری تاجیک‌ها فارسی است و با آشنایی با الفبای فارسی (بر اساس آماری که چند سال پیش گرفته شد) فرض این است که تاجیک‌ها به‌صورت مستقیم قادر هستند با ۱۲۸ هزار مقاله فقط در فضای مجازی ویکی‌پدیا ارتباط

برقرار کنند. درحالی که تعداد مقاله‌هایی که در همین فضا با الفبای سیریلیک قابل استفاده است تنها ۹ هزار مقاله است.

واقعیت این است که برای سخن گفتن از الفبای مورد استفاده یک ملت، بایستی ابتدا آن ملت تعریف شود و ممیزه‌ها و مؤلفه‌های مشخص مربوط به آن ملت را مرور کنیم. یکی از ویژگی‌های تاجیک‌ها در جمهوری‌های آسیای میانه این است که تاجیک‌ها ملتی فرهنگی شناخته می‌شوند. امروزه ما هم در ارتباط‌های خودمان با تاجیکستان نظیرمان این است که با زبان فرهنگی بهتر، راحت‌تر و مناسب‌تر سخن می‌گوییم. اگر بنا باشد که مؤلفه‌های فرهنگی مردم تاجیکستان را باهم مرور کنیم (به تعبیر یکی از ضیائیان تاجیکستان) آن‌ها به نوعی امامزاده‌های آسیای میانه هم تلقی شده‌اند. تعجب نکنید چون تاجیکستان نماد یک فرهنگ دینی و اسلامی در آسیای میانه است.

در واقع در گذشته همه ترکان مسلمان برای تاجیک‌ها برای دانستن و گسترش دادن فرهنگ اسلامی احترام فراوانی قائل می‌شدند. احمد دانش، رهبر جنبش معارف پروری در منطقه در تاجیکستان و در شهرهای تاجیک نشین شناخته شده است. در یکی از نوشته‌های احمد دانش این گونه آمده است که اگر قزاق‌ها تاجیک را حتی به کیفر جرم می‌کشتند، آرامگاه او را مزار و زیارتگاه می‌کردند. اما امروزه به سبب گسسته شدن پیوند تاجیک‌ها با فرهنگ اسلامی در دوره‌های حاکمیت شوروی سوسیالیستی، به نظر می‌رسد که این جایگاه تاریخی را تا حدودی از دست داده باشند. از منظری دیگر شخصی که در فضای فرهنگی برای تاجیک‌ها به وجود آمده به اعتبار آشنایی و ارتباط مستقیم آن‌ها با الفبای فارسی بوده که امروزه بعضاً به تعبیر ضیائیان "خط عربی اساس" خوانده می‌شود. واقعیت مطلب این است که در شناسایی الفبایی که امروز مورد استفاده تاجیک‌هاست (یعنی الفبای سیریلیک یادگار دورانی از مدنیت گرایی اما نه مدنیت چند هزارساله تاجیکستان به صورت اصیل، بلکه یک مدنیت سوسیالیستی)

است. هدف اساسی تغییر الفبا در این زمان که اشاره می‌کنم این است که در بین عامه محنت کشان ملیت‌های جمهوری سوسیالیستی شوروی تاجیکستان (که خط و سواد عربی داشتند یا عموماً سواد نداشتند) الفبای نوع لاتینی را ابتدا به‌عنوان سلاح پرقوت شناختند با این تصور که این سلاح پرقوت انقلاب مدنی می‌تواند وسیله‌ای برای ارتباط تاجیک‌ها با دنیای مدنیت تلقی شود.

این امر بر اساس فهمی بود که در آن زمان شکل گرفت، فهمی که وقتی در ترکیه مطرح شد، حاصل آن خط مورد استفاده به خط لاتین شد. جالب است که این مسئله مورد توجه جمهوری‌های شوروی هم قرار گرفت و به خط لاتینی روی آوردند. لذا برای تاجیکستان حاصلش این شد که به مدت ۱۰ یا ۱۲ سال از الفبای لاتینی استفاده کنند. اما نکته این است. روی آوردن به الفبا متأثر از یک نوع شیفتگی حتی در میان سردمداران و تصمیم‌گیرندگان جمهوری‌های مختلف شوروی صورت گرفت. دیدگاه آنان چنین بود که بایستی به خط لاتینی روی آورد و نتیجه این شد که اقوام بیشتری همچون: آبخاز، آلتایی، آشوری، بلوچ، انگوش، چرچز، قزاق، قره‌چای، قرقیز، تاتار، کردها، تالش، ترکمن، ازبک، آستی، تاجیک، چچن و عده دیگر از سال ۱۹۲۳ تا سال ۱۹۳۹ الفبای لاتین را مورد استفاده قرار دادند.

لذا اگر امروز دغدغه ما در تاجیکستان استقلال کامل این کشور و به نتیجه رسیدن پروژه هویت در جمهوری تاجیکستان است باید به این نکته توجه کنیم که روی آوردن به الفبای لاتین نتیجه دوره‌ای کوتاه از تاریخ بلند این سرزمین است که گذشته است. به صورت بخش نام‌های به برخی از اقوام ابلاغ شد تا به الفبای لاتین روی بیاورند. البته با این توضیح در آن مقطع و با این پذیرش که روی آوردن به حرف لاتین مترادف و مساوی با دسترسی به مدنیت و پیشرفت در حوزه تمدن خواهد بود. درحالی که واقعیت ضمنی این بود که (به‌عنوان فرض می‌توان به آن توجه کرد) خط عربی بایستی کنار می‌رفت، چراکه خط عربی خط دین بود و از طریق آشنایی با این خط امکان

برقراری با قرآن بود، اما این مسئله نمی‌توانست برای سردمداران شوروی سابق مطلوب و خوشایند باشد. طبیعتاً باید ابتدا از رهگذر گسترش خط لاتین که البته این ذهنیت ایجاد شده بود که وسیله مدنیت است، خط عربی به کنار نهاده می‌شد.

در فاصله میان تاجیک‌ها و فارسی‌زبانهای دیگر کشورها خط لاتین در یک مقطع ایفای نقش کرد. به این دلیل که خط لاتین در کشورهای فارسی‌زبان وجود نداشت، بنابراین ما همواره در بحث در الفبا این نکته را باید در نظر بگیریم که روی آوردن به یک الفبا یا اعراض از یک الفبا چه تأثیری در روابط ملتی با سایر ملل به جا می‌گذارد.

در مورد خطی که امروز در تاجیکستان مورد استفاده است و از حروف کریل استفاده می‌کند، تأمل دقیق‌تری ممکن است. ما زبان فارسی یا به تعبیر قانونی مصوب، زبان تاجیکی را با حروف کریل می‌نویسیم و چون به زبان روسی نمی‌نویسیم، در واقع عمدتاً با یک ملت ۱۰ یا ۱۲ یا حداکثر ۱۵ میلیونی با احتساب تاجیک‌هایی که در جمهوری‌های اطراف حضور دارند، می‌توانیم ارتباط برقرار کنیم. در حالی که اگر به خط یا الفبای فارسی به‌عنوان یک خط قابل استفاده بنویسیم، به‌طور مستقیم قادر خواهیم بود که با یک جامعه بیش از ۱۰۰ میلیون نفری (که با این خط گویش می‌کنند) ارتباط و مبادله داشته باشیم و از ثمرات تمدنی، فرهنگی و ملی کشورهای مختلف اطراف برخوردار شویم.

در جنب این بررسی باید متذکر این نکته نیز شد که در دوره‌ای که خط لاتینی در این کشورها مورد استفاده بوده، به علت تفاوت بنیادین با سنت‌های تعلیمی و فرهنگی، همراه با دستور و تحکم بوده است. در حالی که برای ماندگاری یک امر فرهنگی، استقبال طبیعی گویشوران و طرفداران آن لازم است. به عبارت بهتر همدلی استفاده‌کنندگان یک گویش و یک خط، سرمایه آن خط است. اما در مورد خط لاتین به‌جای استقبال، وضع به‌گونه‌ای دیگر بود و با خشونت و خونریزی مصوب قانونی شد. برای درک بیشتر این وضعیت باید گفت در آن

دوران کسانی که در منزل کتاب‌هایی با خط عربی داشتند گرفتار دادگاه و زندان می‌شدند. به‌عنوان مثال دریکی از شهرهای آسیای میانه دریکی از خانه‌های کارمندان حزبی کتابی عربی پیدا کردند، این کارمند حزبی به همین گناه کشته شد. پس از آن آشکار شد که این کتاب چیزی جز بیانیه حزب کمونیست با الفبای عربی نبوده است. این مطلب از نویسنده‌ای به نام گل‌ماتوف با عنوان ما با چه چیزی مبارزه می‌بریم در مجله علم و دین در سال ۱۹۹۰ شماره ۱۱، صفحه ۱۱ نقل شد.

خط کریل که امروز (بعد از دوره خط لاتین) در کشور تاجیکستان (و چند کشور دیگر که به‌نوعی به دنبال تغییر الفبا هستند، البته تغییر الفبا در هر کدام از این جمهوری‌ها با توجه به میزان پیشرفت علم و سواد متفاوت است) مورد استفاده قرار می‌گیرد خطی است منسوب به خط قدیس سریل که در اصل مشتمل بر ۳۸ حرف مبتنی بر الفبای بزرگ یونانی بوده و بعداً ۱۰ حرف به آن اضافه می‌شود. الفبای بلغاری، صربی و روسی صورت کنونی الفبای سیریلی هستند. الفبای سیرلیک تاجیکی در ۲۱ می سال ۱۹۴۰ در نشست مجلس تاجیکستان به‌عنوان طرح الفبای نو تاجیکی شناخته می‌شود. با اینکه هنگام بررسی طرح الفبای لاتینی تاجیک نکات مخالف هم گفته شد، اما در زمان تصویب پیشنهاد الفبای سیرلیک در این زمینه بحث و مخالفتی صورت نگرفت، چراکه این امر در سالهای ۱۹۳۷، دوره‌ی موسوم به دوره‌ی استالینی (دوره‌ای که بعداً از ناحیه دانشمندان کل شوروی و تاجیکستان مورد نقد قرار گرفت و رد شد) صورت می‌گرفت اما به هر حال همراه بود با وحشتی از رفتارهای خاص استالینیستی. بنابراین شروع حاکمیت خط روسی در جمهوری‌های روسی از جمله در جمهوری تاجیکستان از سال ۱۹۴۰ است و در واقع دوره الفبای لاتین کوتاه مدت است.

دوره دیگری که الفبای این کشور دستخوش تغییرات می‌شود، همزمان است با جنگ موسوم به برادر کشی که تاجیکستان از سال ۱۹۹۲ تا سال ۱۹۹۷ پشت سر گذاشت. در سال ۱۹۸۹ (قبل از بروز این جنگ‌ها)، "زبان فارسی"

به عنان زبان تاجیکستان به تصویب رسید و حرکت برای رو آوردن به الفبای نیاکان یعنی الفبای فارسی در طول یک دوره چند ساله شروع شد، اما در این میان جنگ‌های داخلی رخ داد که نتیجه آن به تعبیری تغییر موازنه قوای سیاسی و تبعاً فرهنگی بود. در نتیجه مصوبه اول کنار گذاشته شد، به این گونه که در سال ۱۹۹۴ (همزمان با نگرانی و وحشتی که به دلیل مشوش شدن اوضاع بوجود آمده بود) مجلس تاجیکستان قانون زبان سال ۱۹۸۹ را پالایش کرد و اعلام نمود که نام زبان دولتی تنها زبان تاجیکی است. این موضوع براساس دغدغه هویت امری معمولی بود و مورد استقبال نسبی قرار گرفت، یعنی نام فارسی آن را از قانونی که مصوب بود حذف کردند و کلمه "تاجیکی" را به جای آن نهادند، اما نکته مهمتر این بود که نقشه بازگشت به الفبای فارسی با توجه به آن مصوبه برای زمانی نامعلوم ترک شد.

به عبارتی، پروسه‌ای که مصوب مجلس این کشور بود با توجه به تغییرات شرایط به فراموشی سپرده شد. در سالهای بعد هم اصرار بر ماندن الفبای سیریلیک ادامه پیدا کرد. در حالی که سال ۱۹۸۹ فرمان حکومت تاجیکستان و وزارت معارف، درباره‌ی الفبای نیاکان یا الفبای فارسی در آموزشگاه‌های کشور تصویب شده بود.

بعد از این مصوبه، جامعه‌ی روسی زبان تاجیکستان دست به کوچ همگانی زدند و هزاران نفر از خانواده‌های روسی زبان تاجیکستان را ترک کردند. در سالهای پایانی شوروی یعنی حدود سالهای ۱۹۸۹ (که تحولات مربوط به بازنگری اتفاق افتاده بود) تا سال ۱۹۹۱ این خانواده‌ها به ظاهر برای همیشه تاجیکستان را به سمت روسیه ترک کردند، اما یکی از مسائل غیر قابل پیش بینی جنگ‌های خونین پنج ساله بود و در نتیجه آن رستاخیز فرهنگی تاجیک‌ها (که بر اساس مصوبه‌های اخذ شده پیش بینی شده بود که به الفبای فارسی رو بیاورند) فروکش کرد و رسماً فرایند فارسی ستیزی آغاز شد که در اثر آن نوشته‌های فارسی از خیابان‌های تاجیکستان جمع آوری و کنار نهاده شد.



همه ی این شواهد گویای این مسئله است که الفبای کریل در چنین شرایطی روی کار آمد، شاید مصالح ملی اقتضا می کرد برای شکل گرفتن صلح در آن موقعیت که شرایط پر تنشی بود همه ی عوامل برقراری صلح و آرامش به کار گرفته شود، اما یک جامعه ی فرهنگی همیشه باید منافع خود را در دراز مدت هم در نظر بگیرد. اگر چنین نظر ونگاهی وجود داشته باشد طبیعتاً (امروز هم چنان که در مطبوعات در جامعه ی تاجیکی هم بحث الفبا دوباره مطرح شده) باید زمینه های بازنگری نسبت به گذشته را مورد توجه قرار داد.

واقعیت این است که امروز دیگر عوامل فشار دیروز متوجه موقعیت کنونی تاجیکستان مستقل نیست. در زمان حکمرانی خروشچف کار به حدی رسیده بود که بایستی تمامی زبان های اتحاد شوروی به تعبیری باید همگداز می شدند، ضمن آن که زبان واحد عمومی پدید آید که سخت بود و خارج از تصور به نظر می رسید. اما در عین حال اگر کسی در مقابل چنین سیاستی موضع می گرفت (به جرم ملیت گرایی او را متهم کرده و از مزایای اقتصادی که در آن زمان مطرح بود) محروم می کردند.

در این بین باید در نظر داشت که با مرور مولفه های فرهنگی ملت تاجیک، این کشور ملتی است که خود را متعلق و وابسته به یک تمدن چند هزار ساله، تمدن هخامنشیان (که یک تمدن بزرگ ایرانی است) می دانند و در نقاط و مکان های مختلف وابستگی خود را به تمدن سامانیان نشان می دهند. مراد از ایران هم، ایران امروزی با جغرافیای معین فعلی نیست بلکه یک فرهنگ ایرانی مراد است که یکی از بروزهای آن سخن با زبان فارسی در کشورهای مختلف است. در یکی از سخنرانی های امام علی رحمان، رئیس جمهور تاجیکستان به مناسبت زبان دولتی در ۱۵ اکتبر ۲۰۱۰ آمده که "زبان ما در مقام دولتی و رسمی پیش از ساسانیان نیز سابقه ی بسیار طولانی و تاریخی دارد. گذشته ی آن نیز در سه دوره ی تاریخ شکل آن با دولت های متمدن هخامنشیان، ساسانیان و سامانیان مربوط است. از



تمامی این دوران تاریخ، آثار بسیار نادر و ارزشمند به میراث مانده است که وارد شدن این آثار به گنجینه‌ی تمدن جهانی نه تنها افتخار وارثان این زبان، بلکه تمام جهانیان می‌باشد.

درواقع امام علی رحمان به‌نوعی از پیوند تمدن تاجیکی با تمدن هخامنشیان صحبت می‌کنند، در همین سخنرانی به زبان فارسی به‌عنوان زبان قرآن نویس اشاره کردند. "ما امروز زبانی را به میراث داریم که به آن هنوز از آغاز دوران اسلامی ترجمه‌ها و تفسیرهای کتاب مقدس قرآن صورت گرفته است. این ترجمه‌ها و تفسیرها نمونه‌ی سبک بهترین زبان ما دانسته می‌شود و حتی کهن‌ترین ترجمه‌ی قرآن (که دستنویس آن به قرآن قدس معروف است) در عصر هشتم میلادی به یکی از لهجه‌های زبان تاجیکی نوشته شده‌است. در ادامه‌ی سخنرانی امام علی رحمان ایشان می‌فرمایند که "بعداً یکی از اولین تفسیرهای قرآن، تفسیر طبری نیز به زبان ما ترجمه گردید. این دلیل و صدها دلیل دیگر بیانگر مرتبه و مقام زبان شیوای تاجیکی از آن زمان تا امروز می‌باشد."

در همه‌ی این اشاره‌ها هنگامی که زبان تاجیکی گفته می‌شود، درواقع زبان تاجیکی تعبیر مصوبی برای اطلاق به زبان فارسی به‌عنوان زبان مشترک ایرانیان، تاجیک‌ها، افغان‌ها و تاجیک‌های ازبکستان و کشورهای مختلف است.

زبان تاجیکی قرار است که زبان علم هم باشد. در ماده‌ی ۵ قانون جمهوری تاجیکستان درباره زبان دولتی جمهوری تاجیکستان این‌گونه آمده است که زبان جمهوری تاجیکستان زبان علم، زبان دولتی هست و درتألیفات علمی، زبان‌های دیگر نیز می‌تواند استفاده شود. پیش بینی دیگر درباره‌ی زبان تاجیکی (یعنی زبان فارسی که بعضاً با تعبیر "ادبیات فارسی - تاجیک" بیان می‌شود) این است که به‌عنوان زبان انفورماتیک هم استفاده می‌شود. در ماده ۱۴ قانون جمهوری تاجیکستان در باره‌ی زبان دولتی آمده است که "زبان اطلاعات و ارتباطات در دو بند باید موردتوجه و پیگیری باشد، زبان اطلاعات و ارتباطات در تاجیکستان دولتی است. و زبان تاجیکی در تکنولوژی‌های اطلاعاتی شرایط فراهم آورده می‌شود."

درواقع زبان دولتی که در ترمینولوژی نامگذاری (البته بایستی کمیته‌ی زبان و اصطلاحات و کسانی که کارشناسان حوزه زبان شناسی است در این مورد اظهار نظر کنند) مراد از آن همان زبان رسمی ست، یا زبان رسمی جمهوری تاجیکستان، زبان تاجیکی است، اما شاید برای ایجاد یک فضای آزاد که همه بتوانند درباره‌ی منافع این زبان و منافع الفبای مورد استفاده‌ی این زبان در حوزه منافع ملی ابراز نظر کنند بهتر باشد که در این بخش هم تأملی صورت بگیرد که فضای کاملاً آزاد برای اظهار نظر همه‌ی خیرخواهان و دلسوزان عرصه‌ی علم و فرهنگ به وجود بیاید.

تأکیدی که در ماده‌ی یک قانون جمهوری تاجیکستان درباره‌ی زبان آمده نشان می‌دهد که عمدتاً این تأکیدها حوزه‌ی فعالیت مقام‌های حکومتی است. در بند دو گفته می‌شود قانون مذکور استفاده‌ی زبان‌ها در مناسبت‌های شخصی را تنظیم نمی‌کند، اما پیش‌بینی‌های دموکراتیک هم در این قانون وجود دارد. همین ظرفیت‌های دموکراتیک است که این فضا را به وجود می‌آورد تا در رسانه‌های مطبوعاتی هم بحث الفبا با آزادی مورد بحث قرار بگیرد. مثلاً پیش‌بینی مساعدت زبان‌های دیگر در قانون جمهوری تاجیکستان هست. در این راستا گفتنی ست که باید اجازه داد تا تصمیم‌گیری ملی در حوزه‌ی افکار عمومی در یک فضای آزاد و مناسب صورت بگیرد. دخالت‌هایی که ممکن است در در این حوزه صورت بگیرد، سبب تغییر مسیر می‌شود. اکنون زبان رسمی کشور افغانستان، دری است چراکه از سال ۱۹۶۴ ظاهرشاه، پادشاه پشتون افغانستان مصوبه‌ای به این منظور ایجاد کرد. تا قبل از آن زبان فارسی مورد استفاده در سه یا چند کشور فارسی‌زبان از جمله افغانستان، فارسی بود.